

مشکل تفکر دوم یعنی اینکه شخص باید بطور کامل آموزش ببینه قبل از اینکه رهبری کنه، اینه که هیچ کس هرگز بطور کامل آموزش نمیبینه.

عیسی نمونه ای ارائه داد وقتی که رهبران جوانی که هنوز خیلی چیزها برای یادگرفتن داشتن رو فرستاد تا بعضی از مهمترین کارها رو در ملکوت خدا انجام بدن.

کلام خدا میگه: عیسی آن دوازده تن را گرد هم فرا خواند و آنان را قدرت و اقتدار بخشید تا همه دیوها را بیرون برانند و بیماریها را شفا بخشند؛ و ایشان را فرستاد تا به پادشاهی خدا موعظه کنند و بیماران را شفا دهند.

این مردان قبل از این فرستاده شدند که پطرس ایمانش که عیسی خداوند هست رو بیان کنه، چیزی که ما بعنوان اولین قدم ایمان در نظر میگیریم. و حتی بعد از فرستاده شدنشون، عیسی چندین بار پطرس رو بخاطر اشتباهاتش توبیخ میکنه. و پطرس حتی بعدتر عیسی رو هم بطور کامل انکار میکنه. بقیه پیروانش سر این بحث داشتند که کی از همه بزرگتره و هرکدومشون در ملکوت آینده خدا چه نقشی رو ایفا میکنند.

همه شون هنوز خیلی چیزها بود که باید یاد میگرفتند اما عیسی اونها رو در شرایط عملی قرار داد که هرچی میدونستند رو انتقال بدن.

وفاداری، بیشتر از دانش، چیزیه که شخص بمحض اینکه شروع به پیروی از عیسی میکنه میتونه شروع کنه.

وفاداری، بیشتر از آموزش، چیزیه که بوسیله کاری که در قبال اونچه که بهمون داده شده می کنیم، قابل سنجشه.

اگر از اونچه که شنیدیم اطاعت کنیم و اون رو منتقل کنیم به دیگران، وفادار هستیم.

اگر میشنویم اما حاضر نیستیم اطاعت کنیم یا انتقال بدیم، بی وفا هستیم.

در حینی که شاگردها رو تکثیر می کنیم، بیایید مطمئن بشیم که چیز های درستی رو می سنجیم.